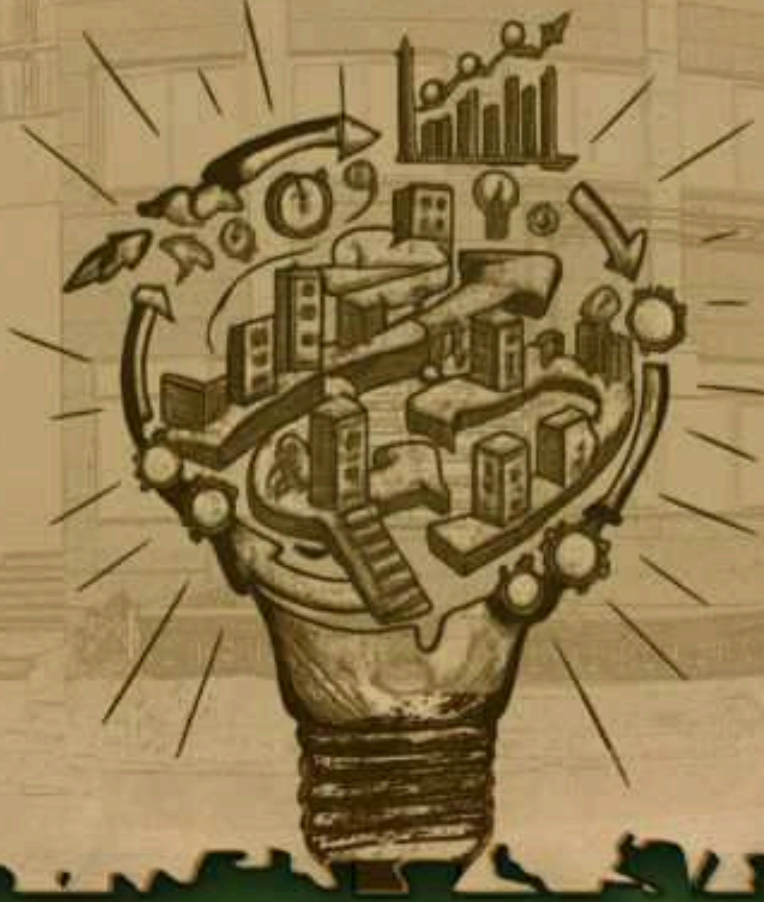
# فصلنامه کارنو

نشریه تخصصی
نوآوری، فناوری
و کارآفرینی

پاییز ۱۴۰۴ - شماره اول



# فصلنامه کارنو

نشریه تخصصی نوآوری، فناوری و کارآفرینی

پاییز ۱۴۰۴ - شماره اول


بسم الله الرحمن الرحيم



**دلیل دومِ ما که امروز کار برامان مهم است، کارآفرینی مهم است، این است که ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که میخواهد با فشار اقتصادی و با تحریم و با این کارهائی که شماها میدانید، سلطه‌ی اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. هدف این است. یک کشور به این خوبی، با این همه منابع، منابع طبیعی، با این موقعیت سوق‌الجیشی، با همه‌ی امکانات، زیر نگین یک قدرتی در دنیا بوده؛ یک روز انگلیس‌ها بودند، یک روز آمریکائی‌ها بودند، در واقع نظام سلطه، دستگاه سلطه، امپراتوری سلطه. حالا آمریکا یک گوشه‌ای از این امپراتوری است، اینها مسلط بودند بر این کشور؛ انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه میخواهد برگردد به این کشور. همه‌ی این تلاشها برای این است.**

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۰۶/۱۶

# شناسنامه

**صاحب امتیاز:** دفتر رشد، نوآوری و کارآفرینی دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی

**مدیر مسئول:** میثم ویسی

**سر دبیر:** پیام عـزیـز

**گروه تحریریه:** مبینا وظیفه، نرگس حاجی زاده، ریحانه جنتی، مریم اسکندری

**طراح جلد و صفحه آرایی:** علیرضا تصوری

**طراحی لوگو:** طهورا فلاح

**شماره تماس:** ۰۲۱۶۶۴۶۵۲۵۲

**نشانی:** تهران، خیابان انقلاب نرسیده به پل کالج، کوچه سعید، بالاتر از دانشگاه امیرکبیر، ساختمان شماره ۲، دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی، طبقه سوم

**ایتا و تلگرام:** mazahebkar

**با تشکر از همراهی و حمایت های معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی**

# فهرست


**سخن سر دبیر**

(طلوع نسل خلاق: فردایی که باید از امروز ساخت) ..... ۱

**یادداشت ویژه**

(آغاز ضرورت کارآفرینی در حوزه علوم انسانی) ..... ۲

**چراغ راه آینده**

(فلسفه رشد و نوآوری و کارآفرینی دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی) ..... ۴

**موتور محرک پیشرفت**

(کالبدشکافی مفهوم رشد و نوآوری) ..... ۶

**نوآوری در نبردگاه**

(تحلیل چالش‌ها، ایده‌ها و فرصت‌های عرصه رشد) ..... ۹

**نقشه راه آینده**

(از دانشجوی سال اول تا نوآور حرفه‌ای) ..... ۱۲

**گنجینه عملی**

(گفتگو هایی از جنس ایده‌های اجراشده و آزموده‌شده) ..... ۱۴

**چراغ‌های راه**

( گزیده‌ای از تاثیرگذارترین کتاب‌ها و فیلم‌ها برای روشن کردن مسیر نوآوری) ..... ۲۰

**از ایده تا میدان**

(روایت زنده اقدامات دفتر رشد و نوآوری دانشگاه) ..... ۲۳

# فردایی که باید از امروز ساخت



## پیام عزیز

**سخن سردبیر: طلوع نسل خلاق**

در سال های گذشته، موفقیت در گرو انباشت دانش بود؛ اما امروزه، در گرو خلق دانشی نو است. دیروز، دانشگاه دیوارهای بلندی داشت تا دانش را در خود نگه دارد؛ امروز، باید پلی باشد تا دانش را به زندگی مردم گره بزند. نسل‌های پیشین برای یافتن شغل به دانشگاه می‌آمدند، اما نسل ما باید برای آفرینش شغل و مسیری متفاوت و روبه‌جلو حرکت کنند. تیم ما در این نشریه با شما از تحولی سخن می‌گوید که نه تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورتِ زمانه است. اگر دانشگاه نتواند پاسخگوی نیازهای دنیای متغیر امروز باشد، به موزه‌ای از اندیشه‌های قدیمی تبدیل خواهد شد؛ اما اگر با نوآوری و کارآفرینی همراه شود، به یکی از قدرتمندترین موتور محرک اقتصاد و جامعه بدل می‌گردد. ما بر آنیم تا ثابت کنیم که حتی در رشته‌های علوم‌انسانی نیز مخصوصا با مسئولیت اجتماعی تقریب بین مذاهب اسلامی، همواره می توان نوآوری انجام داد و کسب‌وکارهای جدید راه اندازی کرد. این مسیر، به مسیر انفرادی نیست؛ کار تیمی، تفکر تیمی و حرکت مستمر نیاز دارد. در این شماره، شما روایتی از چرایی و آغاز یک مسیر را تا رساندن به سرمنشأ و تجربیات این حوزه می‌خوانید. باید باور داشته باشیم که آینده در اختیار کسانی است که حاضرند قالب‌های پیشین را بشکنند و با خلاقیت، نقش جدیدی برای خود و جامعه‌شان تعریف کنند. این نشریه تنها مجموعه‌ای از کلمات نیست؛ بلکه یک نقشه راه است، یک فراخوان برای اقدام، و یک چشم‌انداز از فردایی که می‌توانیم با هم بسازیم. امیدواریم مطالعه این مطالب، نه‌تنها بینش تازه‌ای به شما ببخشد، بلکه انگیزه‌ای باشد برای برداشتن اولین گام در مسیر کارآفرینی و نوآوری.

همراه ما باشید در این مسیر پرشکوه.

با افتخار و امید به فردایی بهتر

یادداشت ویژه:

# آغاز ضرورت کارآفرینی در حوزه علوم انسانی



علی امینی

سرپرست دفتر رشد، نوآوری و کارآفرینی دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی

رشته‌های علوم انسانی-اسلامی، حامل میراث غنی فکری، اخلاقی و فرهنگی تمدن اسلامی-ایرانی هستند. با این حال، همواره این پرسش مطرح است که این گنجینهٔ دانش چگونه می‌تواند در دنیای پرشتاب و فناورانه امروز نقش‌آفرین باشد و تنها به حافظه تاریخی جامعه محدود نماند؟ پاسخ به این چالش، در خلق یک اکوسیستم نوآوری و کارآفرینی ویژهٔ این حوزه نهفته است؛ اکوسیستمی که دفتر رشد، نوآوری و کارآفرینی دانشگاه، سنگ بنای آن محسوب می‌شود. حوزهٔ علوم انسانی-اسلامی، منبعی بی‌پایان برای اقتصاد خلاق است. دفتر مذکور می‌تواند با حمایت از استارتاپ‌ها و کسب‌وکارهای نوپا در زمینه‌های زیر، بازارهای جدیدی خلق نماید:

تولید بازی‌های رایانه‌ای و انیمیشن با مضامین اخلاقی و تاریخیِ ریشه‌گرفته از فرهنگ اسلامی-ایرانی.

توسعه پلتفرم‌های دیجیتال برای آموزش معارف دینی به روش‌های جذاب و تعاملی.

طراحی گردشگری فرهنگی-مذهبی و توسعه محصولات فرهنگی با هویت اصیل.

ارائه خدمات مشاوره‌ای تخصصی در زمینه خانواده، تربیت کودک و سبک زندگی بر مبنای علوم انسانی اسلامی.

از سوی دیگر، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز، همواره در گسترش تفاهم و احترام متقابل در میان پیروان مذاهب و ملل گوناگون می‌کوشد، اما تحقق این آرمان، تنها از مسیر آموزش و گفت‌وگوی نظری ممکن نیست؛ بلکه نیازمند ایجاد زمینه‌های عملی و مشترک است که در آن، افراد با پیشینه‌های مختلف، برای حل مسائل واقعی جامعه کنار یکدیگر قرار گیرند. اینجاست که دفتر رشد، نوآوری و کارآفرینی دانشگاه به عنوان یک راهبرد تحول‌آفرین وارد عرصه می‌شود.

این دفتر، همانند دیگر مراکز رشد دانشگاهی، با استناد به سیاست‌های کلان توسعه‌ای و با اهدافی جامع ایجاد و گسترش یافته است:

ایجاد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان.

تجاری‌سازی دستاوردهای تحقیقاتی-کاربردی.

توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دانش‌بنیان.

تسهیل انتقال دانش و فناوری از دانشگاه به جامعه.

رفع نیازهای جامعه با تمرکز بر رشد تیم‌های نوآور و کارآفرین در حوزه علوم انسانی و اسلامی.

کمک به ایجاد همگرایی و تقریب میان مذاهب اسلامی در دفتر رشد دانشگاه.

افزون بر آموزش‌های ضروری از طریق برگزاری رویدادها، نشست‌های علمی و کمپ‌های مهارت‌آموزی، تمامی دانشجویان، اساتید و دانش‌آموختگان می‌توانند با دریافت خدمات حمایتی، ایده‌های اولیه خود را به مرحله اجرا برسانند. در این مرکز، ایده‌های ارائه‌شده ابتدا مورد داوری و بررسی اولیه قرار می‌گیرند و پس از تأیید، وارد مرحله

پذیرش می‌شوند. در این مرحله، توافقی درباره نحوه اجرا، میزان حمایت و سهم مشارکت دانشگاه با صاحب ایده انجام خواهد شد.

در پایان باید تأکید کرد که دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی با تأسیس این دفتر نشان داده است که برای تحقق رسالت همزیستی مسالمت‌آمیز، باید از مرزهای نظری فراتر رفت و به عرصه‌های عملی و اثرگذار قدم گذاشت. این دفتر، با تلفیق خلاقیت، کارآفرینی و تعامل بین‌فرهنگی، نه تنها به توسعه اقتصادی و فناورانه یاری می‌رساند؛ بلکه پلی استوار برای گفت‌وگو، همکاری و صلح پایدار می‌سازد. در دنیایی که گاه تفاوت‌ها بهانه‌ای برای جدایی می‌شوند، نوآوری مشترک می‌تواند زبانی جهانی برای وحدت در عین کثرت باشد.

چراغ راه آینده:

# فلسفه رشد و نوآوری و کارآفرینی



میثم ویسی — مدیر مسئول فصلنامه کارنو

داستان دفتر رشد از همان پرسشی آغاز شد که برای بسیاری از ما، در آستانه پایان دانشگاه، همچون کابوسی همیشگی جلوه می‌کند: دانشگاه که تمام شد، چه کنیم؟ «آیا واقعاً آمده‌ایم تا پس از سال‌ها تلاش، تنها مدرکی به دست آوریم و آن را بر دیوار اتاقمان نصب کنیم؟» با خود اندیشیدیم: نه، این مسیر نمی‌تواند به همین‌جا ختم شود. یا باید این رویه را تغییر دهیم، یا پس از فراغت از تحصیل، در حسرت فرصت‌های ازدست‌رفته دانشجویی‌مان بنشینیم. ما باور داریم که قرار نیست همه دانشجویان جذب سیستم‌های استخدامی دولتی شوند، یا جامعه برای آنان فرش قرمز پهن کند. پس باید نهادی در دل دانشگاه متولد می‌شد تا دانشجویان را در این مسیر پرچالش هدایت کند و در ترسیم نقشه راه آینده شغلی‌شان، یاور آنان باشد. چنین ایده‌هایی از دو دهه پیش، در بسیاری از دانشگاه‌های کشور کلید خورده است. جالب است بدانید بسیاری از اپلیکیشن‌هایی که امروز خدمات روزمره شما را بر عهده دارند و روزانه با آنان سروکار دارید، زاده نبوغ همان دانشجویان و تیم‌های خوش‌فکری هستند که با همتی مضاعف گرد هم آمدند و خلاقیت خود را به استارتاپی پویا تبدیل کردند.

## ما نیز گفتیم: «از این قافله پیشرو عقب نخواهیم ماند»

اگرچه دانشگاه ما از نوع فنی، علوم پایه یا پزشکی نیست، اما علوم‌انسانی و اسلامی نیز عرصه‌ای بکر و پرظرفیت برای نوآوری است. چه‌بسا ایده‌هایی ناب‌تر و تأثیرگذارتر در دل همین رشته‌ها نهفته باشد. پس به بستری نیاز داشتیم که حامی این ایده‌ها باشد و جسارت سنت‌شکنی را در دانشجویان تقویت کند. سرانجام، در پاییز ۱۴۰۱، پایه‌های اولیه این آرمان در قالب «کانون رشد و نوآوری» باهمت معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه نهاده شد. هدف، آموزش مهارت‌های ضروری برای ورود به بازار کار و برگزاری رویدادهای نوآورانه برای پرورش روحیه کارآفرینی و ایده‌پردازی در میان دانشجویان بود. این مسیر با حمایت‌های بی‌دریغ رئیس وقت دانشگاه، دکتر سید عباس صالحی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت چهاردهم) که اصلی‌ترین نقش را در عملیاتی‌شدن این ایده ایفا کردند، تداوم یافت، تا اینکه در خردادماه ۱۴۰۳، به‌صورت رسمی «دفتر رشد، نوآوری و کارآفرینی» باهمت معاونت پژوهشی دانشگاه افتتاح شد. اینک این دفتر، مأمن و اتاق ایده و تفکری است برای یاری‌رساندن به دانشجویان در مسیر کارآفرینی و تبدیل ایده‌های خلاقانه آنان به محصولات و کسب‌وکارهای سودآور.

## رسالت دفتر بر دو محور استوار است:

از یک سو، باید رشد فردی و مهارتی دانشجویان را از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی، رویدادهای تخصصی و بوت‌کمپ‌های فشرده ارتقا دهد و از سوی دیگر، می‌بایست از ایده‌های خلاقانه و طرح‌های کسب‌وکاری دانشجویان و اساتید، حمایت مالی و زیرساختی به عمل آورد تا این ایده‌ها به محصول یا کسب‌وکاری بالنده تبدیل شوند. دفتر با ارائه خدماتی متنوع از قبیل خدمات رسانه‌ای، نمایشگاهی، مالی، آموزشی، مشاوره‌ای و استقرار در فضای فیزیکی، بستری ایدئال فراهم می‌آورد تا دانشجویان در مسیر کارآفرینی گام بردارند. بدین ترتیب، دوره دانشجویی فراتر از یک تحصیل سنتی، با مسیری نوین و پویا همراه می‌شود که مهارت‌های زندگی و ضروریات کار پس از دانشگاه را به دانشجویان می‌آموزد. چشم‌انداز ما این است که دانشجوی دانشگاه مذاهب اسلامی را در سطوح بالای علمی و عملی در هنگام ورود به بازار کاردیده شود.

اما فراتر از این خدمات، حقیقت و غایت نهایی ما در دفتر، و نگاهی که به ده سال آینده داریم، این است که در دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی بتوانیم هم‌زمان، امر «تقریب» را با نوآوری و خلاقیت دانشجویان خوش‌فکر، بیش از پیش در بطن جامعه نهادینه کنیم. آرزو داریم این دانشگاه نیز به عنوان یک دانشگاه نسل جدید، میزبان استارتاپ‌های ارزشمند و کارآمدی باشد که نقشی ماندگار در جامعه ایفا کنند. کلید تحقق این آرمان، تغییر نگرش و فرهنگ تحصیلی در میان دانشجویان است. این رویا تنها زمانی به واقعیت می‌پیوندد که فرهنگ نوآوری از طریق دفتر رشد به جان دانشجویان بنشیند و آنان باور کنند و به این باور اعتماد کنند که قادرند تغییری هرچند کوچک، اما ماندگار خلق کنند. اگر نوآوری و مغزهای بی‌مرز آدم‌های خلاق نبود، شاید امروز نه اسنپی در کار بود، نه دیجی‌کالایی. چه بسا استارتاپ بعدی، از دل همین دانشگاه برخیزد و تحقق این آرزو، تنها به همت و جسارت شما بستگی دارد.

موتور محرک پیشرفت:

# کالبدشکافی مفهوم رشد و نوآوری



نرگس حاجی زاده ـــــ دانشجو کارشناسی رشته فقه و حقوق دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی

## چرا دانشگاه باید "رشد" کند؟ چند مقدمه برای جرقه ذهنی

سال ۱۹۹۰ بود که تیم برنر زلی در آزمایشگاه CERN سوئیس، اولین صفحهٔ وب را روی سرور قرارداد. در همان زمان، اکثر دانشگاه‌های جهان هنوز با همان روش‌های سنتی تدریس می‌کردند که از قرون‌وسطا به ارث برده بودند. استاد پشت تخته می ایستاد، دانشجو یادداشت برداری می کرد و امتحان در پایان ترم برگزار می شد، اما در عرض دو دهه اینترنت، هم دنیا را تغییر داد، و هم مفهوم دانش و آموزش را دگرگون کرد. دانشگاه‌هایی که همچنان به همان روش‌های کهنه ادامه دادند، امروز در رده‌بندی‌های جهانی جایی ندارند، اما آن‌هایی که خود را با این تحول هماهنگ کردند، رهبری علم‌وفناوری جهان را در دست گرفتند.

در اوایل دهه ۲۰۰۰، زمانی که زهرا وارد دانشگاه شریف شده بود، استادش در اولین جلسه کلاس به او گفت: "نیمی از آنچه به شما می‌آموزیم، تا پنج سال آینده منسوخ خواهد شد. مشکل این است که نمی‌دانیم کدام نیم" ! این جمله، مدت ها در سر زهرا زنگ میخورد.او که فکر می‌کرد دانشگاه مقصد نهایی یادگیری است، تازه فهمیده بود که دانشگاه ایستگاهی‌ست برای سوار شدن به قطار تحول. قطاری که هیچ‌وقت ترمز نداشت و هنوز هم ندارد.

## اما چرا این قطار این‌قدر سریع حرکت می‌کند؟

پاسخ را باید در داستان دانشگاه "ایالتی پنسیلوانیا" جستجو کرد. در سال ۲۰۰۵، این دانشگاه متوجه شد دانشجویانش به‌جای استفاده از کتابخانه سنتی، بیشتر از "گوگل اسکالر" استفاده می‌کنند. به‌جای اینکه مقاومت کنند، کل سیستم کتابخانه دیجیتالی خود را بازطراحی کردند. امروز این دانشگاه یکی از پیشروهای آموزش دیجیتال جهان است. این داستان یک حقیقت بنیادی را آشکار می‌کند:

**رشد، انتخاب نیست؛ قانون طبیعت است. مانند درختی که اگر رشد نکند، می‌پوسد.**

## ریشه های معنایی رشد: سفر از قوه به فعل

اگر به زبان فارسی باستان سفر کنیم، به کلمه «رِس» می‌رسیم که ریشه ای به معنای «رسیدن به مقصد» است. اما این مقصد کجاست؟ مقصد، شکوفایی استعدادهای درونی است. رشد، فرایند تبدیل بالقوه به بالفعل است، نه اضافه کردن چیزی از درون به بیرون. این یک تغییر کمّی نیست، بلکه یک دگرگونی کیفی است. این درک معناشناختی وقتی به دانشگاه اعمال می‌شود، حقیقت تکان‌دهنده‌ای را آشکار می‌کند. دانشگاه در ذات خود، ظرفیت‌هایی دارد که اگر شکوفا نشود آن را به هدف اصلی‌اش نمی‌رساند همچون کتابخانه‌ای است که فقط کتاب‌های صدسال پیش را

دارد. ممکن است ساختمان زیبایی داشته باشد، اما هیچ مراجعه‌کننده‌ای ندارد. نام دانشگاه را دارد، اما روح دانش‌آفرینی در آن جریان ندارد.

قانون طبیعت: رشد کن یا نابود شو! چرا برخی دانشگاه‌ها شکوفا می‌شوند و برخی پژمرده می‌مانند؟

پاسخ در یکی از بنیادی‌ترین قوانین کیهان نهفته است: قانون آنتروپی. این قانون می‌گوید هر سیستم بسته‌ای که انرژی تازه دریافت نکند، محکوم به بی‌نظمی و فروپاشی است. کهکشان‌ها، منظومه‌ها و حتی سلول‌های بدن ما از این قانون پیروی می‌کنند. دانشگاه نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر دانشگاه از تزریق مداوم انرژی فکری، خلاقیت، نوآوری و پرسشگری محروم بماند، به‌تدریج پوسیده خواهد شد و از درون تهی می‌شود. نمونه عینی این پوسیدگی را در دانشگاه‌هایی می‌بینیم که: استادان، از روی جزوه‌های ۲۰ سال پیش تدریس می‌کنند؛ دانشجویان، پروژه‌های تکراری نسل‌های قبل را انجام می‌دهند؛ پژوهش‌ها، به‌دور خود می‌چرخند و همان سؤال‌های قدیمی را پاسخ می‌دهند و چنین دانشگاهی، همانند موزه‌ای زنده از گذشته است، که اگرچه ممکن است هزاران دانش‌جو تربیت کند، و یا صدها استاد داشته باشد، اما در حقیقت مرده و بی‌جان است، چراکه رشدی نمی‌کند.

دانشگاه‌های پیشرو و موفق در این حوزه دریافتند که رشد، موتور محرکه وجود آن‌هاست. این دانشگاه‌ها دو کار را هم‌زمان انجام می‌دهند: دانش تولید می‌کنند و روش تولید دانش را بازآفرینی می‌کنند. تفاوت در نگرش آنها است: دانشگاه سنتی: خود را یک مخزن دانش می‌داند. مانند سیلویی پر از گندم قدیمی؛ و دانشگاه نوآور: خود را یک کارخانه دانش می‌داند. مانند کارخانه‌ای که هر روز محصول جدیدی تولید می‌کند. تفاوت مخزن و کارخانه، تفاوت ایستایی و پویایی است. بین حفظ و خلق؛ بین گذشته‌گرایی و آینده‌نگری.

## فوریت انفجاری: چرا دیگر نمی‌توان درجا زد؟

امروز سرعت تغییرات، قاعده بازی را تغییر داده است، دانشی که امروز ترند است، فردا منسوخ می‌شود، مهارتی که امروز به کار می‌آید، پس‌فردا ممکن است بی ارزش شود. در عصری که هوش مصنوعی در کسری از ثانیه مقاله علمی می‌نویسد، کد برنامه‌نویسی تولید می‌کند و اثر هنری خلق می‌کند، دانشگاه‌های قرن نوزدهمی چه کاره‌اند؟ اینجاست که رشد واقعی با پرسیدن یک سؤال ساده شروع می‌شود: آیا ما در حال انتقال دانشیم یا خلق دانش؟ این پرسش، کلید تغییر از الگوی پاسخ محور به الگوی پرسش‌محور است. **نکته کلیدی اینجاست که رشد دانشگاهی فقط با بودجه و تجهیزات بیشتر حاصل نمی‌شود. این رشد، از جنس نگرش و فرهنگ است و از شهامت به چالش کشیدن مفروضات است که آغاز می‌شود.**

لاجرم رشد و نوآوری، دیگر یک گزینه لوکس برای دانشگاه‌ها نیست. این یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. تغییرات پرشتاب جهان، رقابت فشرده، انتظارات روزافزون جامعه و هزاران دلیل دیگر دانشگاه را به سمت تحول سوق می دهد. دانشگاه‌هایی که این پیام را شنیده‌اند، آینده را در اختیار خواهند گرفت چرا که رشد، نفس‌کشیدن یک نهاد زنده است و دانشگاهی که می‌خواهد زنده بماند، چاره‌ای جز رشدکردن ندارد.

در پایان، حوادث اخیر یک چیز را به‌وضوح نشان می‌داد. جنگ بر سر یک چیز است، آن هم رشد و علمی‌تر شدن ایران. اما آیا باید تسلیم شد؟ هرگز. آیا باید ترسید؟ هیچ‌گاه. هیچ‌گاه و هیچ‌چیز نباید شما را مجبور به تسلیم کند و هیچ‌چیز نباید شما را بترساند. موانع مسیر بسیارند. اما سنگ‌ریزه‌ها را باید پس زد، و مسیر را باید با اراده‌ای توحیدی طی کرد. برای رسیدن به همان قله‌ای که پیش‌تر رهبر معظم انقلاب وعده داده بودند که **نزدیک** است.

نوآوری در نبردگاه:

# واکاوی چالش‌ها، ایده‌ها و فرصت‌های عرصه رشد



مریم اسکندری
دانشجو کارشناسی رشته تاریخ اسلام دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی

امروزه دانشگاه دیگر تنها مکانی برای آموختن نظریه‌ها و گذراندن واحدهای درسی نیست، بلکه کارگاهی زنده و پویا است که می‌تواند بهترین بستر برای پرورش ایده‌ها و تبدیل آن‌ها به کسب‌وکارهای نوپا و تأثیرگذار باشد. دانشجویان این نسل، با برخورداری از ذهنی خلاق، جسارت بی‌نظیر و دسترسی بی‌سابقه به منابع علمی و فناوری، استعداد خارق‌العاده‌ای برای خلق ارزش‌های نو دارند. بااین‌حال، مسیر تبدیل ایده به نوآوری هموار نیست و پر از پیچ‌وخم‌هایی است که تنها با شناخت دقیق آن‌ها و الهام‌گرفتن از موفقیت‌های گذشته می‌توان بر آن‌ها غلبه کرد.

یکی از اساسی‌ترین چالش‌های پیشرو، محدودیت منابع مالی و زیرساختی است. بسیاری از ایده‌های درخشان و نوآورانه، به دلیل نبود بودجه اولیه برای نمونه‌سازی و توسعه، در نطفه خاموش می‌شوند. این مشکل در دانشگاه‌هایی که سیستم‌های حمایتی قدرتمندی ندارند، به‌وضوح دیده می‌شود. بااین‌حال، همین چالش می‌تواند به فرصتی برای جستجوی فعالانه در رویدادهای استارت‌آپی، استفاده از شتاب‌دهنده‌های دانشجویی و جذب حامیان مالی کوچک تبدیل شود.

شکاف عمیق بین آموزش‌های نظری و نیازهای واقعی بازار کار نیز از دیگر موانع مهم است. بسیاری از دانشجویان، پس از فارغ‌التحصیلی، با دنیایی از مقررات پیچیده، چالش‌های اجرایی و ساختارهای بوروکراتیک روبرو می‌شوند که در کتاب‌های درسی اشاره‌ای به آن‌ها نشده است. پر کردن این شکاف نیازمند شرکت در دوره‌های کارآموزی عملی، برقراری تعامل مستقیم با فعالان صنعت و اجرای پروژه‌های کاربردی در طول دوران تحصیل است.

نداشتن راهنمایان باتجربه و عدم دسترسی به شبکه‌های ارتباطی حرفه‌ای نیز می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های نادرست و اتلاف منابع منجر شود. پیوستن به انجمن‌های تخصصی، استفاده از برنامه‌های منتورشیپ دفتر نوآوری دانشگاه و حضور در گردهمایی‌های صنعتی می‌تواند پل ارتباطی مؤثری با دنیای واقعی کسب‌وکار ایجاد کند.

ترس از شکست و فشارهای رقابتی نیز از دیگر موانع روانی مهم در این مسیر است. سیستم آموزشی متمرکز بر نمره و امتحان، اغلب ریسک‌پذیری را کاهش می‌دهد، درحالی‌که نوآوری بدون آزمایش و یادگیری از شکست معنایی ندارد. شرکت در رویدادهای ایده‌پردازی و استارت‌آپ ویکندها که شکست در آن‌ها به‌عنوان یک تجربه یادگیری ارزشمند تلقی می‌شود، می‌تواند این ترس را به شجاعت تبدیل کند.

در برابر این چالش‌ها، فرصت‌های طلایی بسیاری وجود دارد که می‌توان از آن‌ها بهره برد. حوزه فناوری‌های آموزشی با امکان طراحی پلتفرم‌های یادگیری تعاملی و شخصی‌سازی‌شده برای دروس دانشگاهی، تولید اپلیکیشن‌های میکرو لرنینگ برای آموزش مهارت‌های فوری بازار کار و ایجاد آزمایشگاه‌های مجازی با استفاده از واقعیت مجازی و افزوده، یکی از این فرصت‌هاست.

حوزه پایداری و اقتصاد سبز نیز با راهکارهای هوشمند برای بازیافت در محیط دانشگاه و شهر، تولید محصولات جایگزین پلاستیک‌های یک‌بارمصرف و طراحی پلتفرم‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی در خوابگاه‌ها، زمینه مناسبی برای نوآوری فراهم می‌کند.

سلامت و تندرستی دانشجویی با امکان طراحی اپلیکیشن‌های مدیریت استرس، رژیم غذایی و ورزش متناسب با زندگی دانشجویی، ایجاد پلتفرم‌های مشاوره آنلاین روان‌شناسی با تمرکز بر دانشجویان و توسعه سرویس‌های تحویل غذای سالم و مقوی باقیمت دانشجویی، از دیگر زمینه‌های پرظرفیت برای نوآوری است.

حوزه جامعه و ارتباطات نیز با ایجاد پلتفرم‌های اشتراک‌گذاری کتاب، لوازم الکترونیکی و ابزار تخصصی بین دانشجویان، راه‌اندازی بازارهای آنلاین برای فروش محصولات دست‌ساز دانشجویی و توسعه سرویس‌های ادغام و پذیرش دانشجویان جدید یا بین‌المللی، بستر مناسبی برای کارآفرینی اجتماعی فراهم می‌کند.

علاوه بر این، توسعه فناوری‌های بومی و حل مشکلات محلی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی و کلان‌داده‌ها برای حل چالش‌های منطقه‌ای در حوزه‌هایی مانند کشاورزی، ترافیک و آب، ایجاد اپلیکیشن‌های گردشگری برای معرفی جاذبه‌های کمتر شناخته‌شده محلی و طراحی راهکارهای دیجیتال برای حمایت از صنایع‌دستی و کسب‌وکارهای کوچک، از دیگر فرصت‌های پیش روست.

## تأکید بر مسئولیت اجتماعی دانشگاهی در حوزه علوم‌انسانی

در حوزه علوم‌انسانی و تقریب مذاهب اسلامی، یک فرصت نوآورانه می‌تواند ایجاد پلتفرم دیجیتالی گفت‌وگوی علمی بین مذاهب باشد. این پلتفرم با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علوم‌انسانی مانند الهیات، علوم قرآن، تاریخ اسلام و جامعه‌شناسی، فضایی امن برای تبادل آرا و اندیشه‌های علمی فراهم می‌آورد. در این بستر، دانشجویان و پژوهشگران از همه مذاهب اسلامی می‌توانند به مطالعه تطبیقی متون بپردازند، در کارگاه‌های مشترک مهارت‌آموزی شرکت کنند و از طریق باشگاه‌های مناظره علمی، گفت‌وگوهای سازنده داشته باشند. این پلتفرم از جنبه کارآفرینی نیز قابلیت درآمدزایی دارد. ارائه خدمات پیشرفته مانند دسترسی به منابع، مشاوره تخصصی و دوره‌های آموزشی ویژه. همچنین با همکاری نهادهای علمی و پژوهشی، می‌تواند پروژه‌های تحقیقاتی مشترک تعریف کند و همایش‌های علمی برگزار نماید. از منظر اجتماعی، چنین ایده‌ای به کاهش شکاف‌های اطلاعاتی کمک می‌کند، گفت‌وگوی علمی را ترویج می‌دهد و برای فارغ‌التحصیلان علوم‌انسانی فرصت‌های شغلی جدید ایجاد می‌نماید. نوآوری این طرح در ترکیب هوشمندانه سنت و فناوری، ایجاد فضای تعاملی امن، توجه به جنبه‌های اقتصادی و پاسخگویی به نیازهای روز جامعه اسلامی است. چنین نوآوری‌هایی نشان می‌دهند که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های علوم‌انسانی در فضای دیجیتال برای تقریب مذاهب و ایجاد ارزش‌های جدید بهره برد. این مسیر نه‌تنها به غنای علمی جامعه اسلامی می‌افزاید، بلکه می‌تواند به ایجاد کسب‌وکارهای دانش‌بنیان در حوزه علوم‌انسانی بینجامد.

نمونه‌های موفق بسیاری همچون دیجی‌کالا و اسنپ که از ایده‌های نوپا به غول‌های بازار ایران تبدیل شدند، یا مکتب‌خونه و فرادرس که پاسخی هوشمندانه به نیاز دسترسی به آموزش باکیفیت بودند، و همچنین استارتاپ‌های برتر رویدادهای ملی مانند برگزیدگان جشنواره شیخ بهایی و طرح شهید احمدی روشن، همگی گواه این حقیقت هستند که ایده‌های بزرگ از دل دانشگاه‌ها و همین چالش‌های به‌ظاهر سخت متولد می‌شوند. باید یادآور شد که در هر چالش، روی دیگر سکه، یک فرصت طلایی است. دفتر رشد و نوآوری دانشگاه مذاهب اسلامی، بستری است تا شما این فرصت‌ها را بشناسید، ایده‌هایتان را پرورش دهید و اولین گام‌ها را در مسیر کارآفرینی بردارید. به‌خاطر داشته باشید که نوآوری در عصر حاضر نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای ساختن فردایی بهتر است.

نقشه راه آینده:

# از دانشجوی سال اول تا نوآور حرفه‌ای



مبینا وظیفه

دانشجو کارشناسی رشته تاریخ اسلام دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی

## فرایند ورود به عرصه کارآفرینی

فضای دانشگاه، به‌عنوان یک زیست‌بوم نوآور و پویا، بهترین بستر برای شکوفایی روحیه کارآفرینی در میان دانشجویان است. تجربه جهانی نشان می‌دهد که بسیاری از کسب‌وکارهای موفق دنیا، ریشه‌ای در ایده‌های ساده دانشجویی و فضاهای دانشگاهی داشته‌اند. بااین‌حال، پرسش اصلی این است که دانشجویان علاقه‌مند به کارآفرینی چگونه و از کجا باید این مسیر را به‌صورت اصولی آغاز کنند؟

## جهت‌یابی، جهت‌گیری و تمرکز و استمرار

اولین و مهم‌ترین گام، یافتن یک نیاز واقعی و حل نشده در جامعه یا بازار است. بر اساس مطالعات متمرکز بر مدل‌های نوآوری مشتری‌محور، یک کارآفرین موفق در وهله اول یک مسئله‌یاب[1] ماهر است. به‌جای تمرکز صرف بر ایده، باید به اطراف خود در دانشگاه، جامعه یا بازار هدف دقت کنید و بپرسید: چه مشکلاتی وجود دارد که زندگی مردم را دشوار کرده است و راه‌حل فعلی آن ناکارآمد است؟ آیا برای این موضوع پاسخی موجود است (مشکل)؟ اگر پاسخی وجود ندارد جایگاه یک نوآور در مقام پژوهش و رفع آن چیست (مسئله‌محوری)؟ ایده شما باید پاسخی نوآورانه و مؤثر برای رفع این نیاز باشد. همچنین کارآفرینی فقط محدود به نوآوری در محصول نیست؛ بلکه نیازمند صلاحیت‌های فردی و مدیریتی است. دانشجویان باید در طول تحصیل، بر تقویت مهارت‌هایی نظیر تفکر انتقادی، توانایی حل مسئله، مدیریت منابع کمیاب (مانند زمان و سرمایه اولیه)، توانایی‌های ارتباطی و مذاکره، و از همه مهم‌تر، رهبری تیمی در صورت نیاز تمرکز کنند. مشارکت فعال در کارگاه‌های علمی و کانون‌های دانشجویی، بهترین فرصت برای صیقل‌دادن این توانمندی‌ها است.

## ضرورت‌های ساختاری و عملیاتی

تشکیل و یا عضویت در یک اتاق فکر هم‌افزا و مکمل: در ادبیات مدیریت استراتژیک تأکید شده است که تیم، ستون فقرات هر تلاش کارآفرینانه است. تشکیل یک کسب‌وکار موفق به‌ندرت به‌صورت انفرادی محقق می‌شود. دانشجویان باید به دنبال هم‌تیمی‌هایی باشند که تخصص‌ها و دیدگاه‌هایشان مکمل یکدیگر باشد؛ به‌گونه‌ای که مجموعه‌ای از مهارت‌های فنی، بازاریابی، مالی و عملیاتی در تیم پوشش داده شود و در جهت تقویت آن تلاش کنند.

تدوین طرح کسب‌وکار منسجم اولیه (نقشه راه): هر تلاشی برای موفقیت، نیازمند یک نقشه راه است. به‌جای برنامه‌ریزی‌های طولانی‌مدت و جزئیات غیرضروری، یک طرح کسب‌وکار اولیه اما دقیق تهیه کنید. این طرح باید به‌روشنی مشخص کند: محصول یا خدمت چیست، مشتریان هدف چه کسانی هستند، ارزش پیشنهادی تیم در

[1] کتاب گوی و میدان محصول اندیشکده و شرکت دانش بنیان مند

مقایسه با رقبا چیست، و سازوکار درآمدزایی چگونه تعریف می‌شود. این سند، به تیم کمک می‌کند تا در مسیر باقی بماند و تصمیمات منطقی بگیرد.

اعتبار و وضعیت‌سنجی با محصول اولیه: اشتباه رایج در میان کارآفرینان تازه‌کار، گذاشتن زمان و هزینه زیاد برای تولید یک محصول کامل است. راهکار مؤثرتر، ایجاد یک نمونه اولیه ساده، کم‌هزینه و کاربردی است حتی در صورت کامل نبودن! این نمونه اولیه را در اختیار گروه کوچکی از مخاطبان هدف (مثلاً دانشجویان دانشگاه) قرار دهید و به‌سرعت از آن‌ها بازخورد بگیرید. این فرایند آزمون‌وخطا، به تیم کمک می‌کند تا با کمترین هزینه، ایرادات ایده را کشف و آن را اصلاح کند.

## بهره‌گیری از محیط دانشگاه

استفاده حداکثری از مراکز رشد و نوآوری: دانشگاه‌ها، مراکز رشد، شتاب‌دهنده‌ها و دفاتر انتقال فناوری دارند که مأموریت اصلی آن‌ها حمایت از ایده‌های دانشجویی است. با این مراکز ارتباط بگیرید. آن‌ها می‌توانند مشاوره‌های تخصصی، فضای کار اشتراکی، دسترسی به مربیان مجرب و فرصت‌هایی برای تأمین مالی اولیه را در اختیار تیم شما قرار دهند و حامی خوبی جهت پشتیبانی شما باشند.

تمرکز بر تأمین مالی هوشمندانه (خودکفایی و استقلال): در مراحل بسیار ابتدایی، بهتر است به‌جای جستجوی سرمایه‌گذاران بزرگ، بر استفاده حداقلی از منابع موجود تمرکز کنید. این روش که در ادبیات کارآفرینی به آن خودتأمین‌گری یا (Bootstrapping) گفته می‌شود، شامل استفاده از پس‌انداز شخصی، کمک‌های خرد دوستان و خانواده، یا جوایز مسابقات دانشگاهی است. این کار به شما کمک می‌کند تا کنترل کسب‌وکار را در دست داشته باشید و اثربخشی خود را با کمترین هزینه اثبات کنید.

فعالیت در رویدادهای تخصصی: حضور فعال در رویدادهایی مانند مسابقات ایده‌پردازی و نمایشگاه‌های فناوری، فرصتی عالی برای شبکه‌سازی با متخصصان، سرمایه‌گذاران و دیگر کارآفرینان است. این تعاملات نه‌تنها اعتبار ایده شما را در محیط رقابتی افزایش می‌دهد، بلکه دروازه‌ای به‌سوی فرصت‌های همکاری و جذب سرمایه در آینده خواهد بود.

لاجرم کارآفرینی دانشجویی، یک مسابقه سرعت نیست، بلکه یک فرایند یادگیری مستمر است. چالش‌ها و شکست‌ها بخشی اجتناب‌ناپذیر از این مسیرند، اما نباید منجر به توقف شوند؛ بلکه هر کدام، درسی ارزشمند برای رسیدن به موفقیت‌های بزرگ‌تر محسوب می‌شوند. با توکل بر خدا و جسارت کافی، گام اول را محکم بردارید و به یاد داشته باشید که دانشگاه، مهم‌ترین آزمایشگاه برای ساختن آینده حرفه‌ای و تحقق آرمان‌های کارآفرینانه شما

گنجینه عملی:

# گفتگو هایی از جنس ایده های اجراشده و آزموده شده



## رقیه صدایی

**روایت یک مسیر کارآفرینی از غربت تا تسهیلگری**

(دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی، کارآفرین اجتماعی و تسهیل گر)

برای بسیاری از دانشجویان، دانشگاه صرفاً محل تحصیل نیست؛ بلکه بستری است برای کشف دغدغه‌ها، تجربه زیستن در جامعه، و آزمودن امکان تأثیرگذاری. در دل چالش‌های روزمره دانشجویی از دشواری‌های دسترسی به منابع درسی گرفته تا نیاز به خدمات آموزشی مکمل، حمل‌ونقل، اسکان، یا حتی ارتباط مؤثر با اساتید فرصت‌هایی نهفته‌اند که اگر بادقت دیده شوند، می‌توانند به نقطه آغاز یک مسیر کارآفرینانه تبدیل شوند. اما این مسیر، برخلاف آنچه گاه در روایت‌های تبلیغاتی دیده می‌شود، نه با شعار، بلکه با مشاهده، یادگیری، و مواجهه صبورانه با واقعیت آغاز می‌شود.

### آغاز در غربت: تجربه‌ای ناخواسته، اما تعیین‌کننده

شروع مسیر کارآفرینی من، نه از دل برنامه‌ریزی‌های دقیق یا دسترسی به منابع خاص، بلکه از یک جابه‌جایی ساده خانوادگی شکل گرفت. به‌واسطهٔ شغل همسرم، حدود هشت ماه در ایلام زندگی کردیم[۲]، شهری که پیش از آن هیچ شناختی از آن نداشتم. در ابتدا، این جابه‌جایی برایم صرفاً یک وقفه در مسیر تحصیلی و حرفه‌ای‌ام بود. اما به‌مرور، مواجهه با بافت اجتماعی متفاوت، کمبودهای آموزشی، و ظرفیت‌های انسانی مغفول‌مانده در مناطق کمتر برخوردار، ذهنم را درگیر کرد. در ایلام، برخلاف تصور اولیه‌ام، با جامعه‌ای روبه‌رو شدم که هم‌نیازهای مشخصی داشت و هم‌ظرفیت‌های انسانی ارزشمندی. همین مشاهده‌ها، بدون آنکه از ابتدا قصد کارآفرینی داشته باشم، مرا به سمت طراحی فعالیت‌هایی سوق داد که بعدها به هسته اولیه یک مسیر کارآفرینی اجتماعی تبدیل شدند. این تجربه به من آموخت که گاهی «غربت»، بستری است برای دیدن چیزهایی که در آشنایی‌های روزمره از چشم پنهان می‌مانند.

### تجربه میدانی: از ایلام تا هرندی (دروازه غار)

پس از بازگشت به تهران، تلاش کردم تجربه‌ای مشابه را در محله هرندی (دروازه غار) ادامه دهم. این بار، با شناختی عمیق‌تر و تیمی کوچک اما متعهد، کارگاه‌هایی برای نیازسنجی و توانمندسازی برگزار کردیم. برخلاف تصور رایج، این مناطق صرفاً محل کمک‌رسانی نیستند؛ بلکه فضاهایی‌اند که می‌توان در آن‌ها، با احترام به کرامت انسانی، به طراحی راه‌حل‌هایی مشارکتی و پایدار اندیشید. تجربه میدانی در این محله‌ها، نه‌تنها ایده‌هایم را واقع‌گرایانه‌تر کرد، بلکه به

[۲] به همت خانم‌ها ریحانه جنتی و مینا وظیفه، دانشجویان کارشناسی رشته تاریخ اسلام دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی.

من آموخت که کارآفرینی اجتماعی، بیش از آنکه به ایده‌های بزرگ‌نیا داشته باشد، به گوش‌دادن و یادگرفتن نیاز دارد.

## دانشگاه: بستر یادگیری، نه فقط آموزش

در این مسیر، دانشگاه برای من صرفاً محل دریافت آموزش نبود، بلکه بستری برای یادگیری اجتماعی، شبکه‌سازی، و آزمون ایده‌ها شد. اساتید دلسوزی که حاضر بودند وقت بگذارند و تجربه‌شان را به اشتراک بگذارند، نقش مهمی در جهت‌دهی به مسیرم داشتند. همچنین، انجمن‌های علمی، فعالیت‌های فرهنگی، و حتی فضاهای غیررسمی مانند خوابگاه، به من کمک کردند تا هم‌تیمی‌هایی پیدا کنم که دغدغه‌های مشترک داشتند. نکته‌ای که در این تجربه برایم روشن شد، این بود که ساختن یک تیم متعهد، بیش از آنکه به مهارت‌های فنی وابسته باشد، به اشتراک در «چرایی» کار بستگی دارد. افرادی که به هدف اجتماعی پروژه باور داشتند، در مسیرهای دشوار هم کنارم ماندند.

## آزمون ایده با منابع محدود: خلاقیت به‌جای سرمایه

**در آغاز، هیچ سرمایه مالی مشخصی در اختیار نداشتم.**

اما به‌جای تمرکز بر کمبود منابع، تلاش کردم از ظرفیت‌های موجود استفاده کنم. شرکت در رویدادهای دانشگاهی، ارائه ایده در مسابقات نوآوری، استفاده از فضاهای رایگان دانشگاه برای جلسات، و برگزاری کارگاه‌های آزمایشی در مناطق هدف، به من کمک کرد تا ایده‌ام را با کمترین هزینه اعتبارسنجی کنم. این تجربه به من نشان داد که ساختن یک محصول اولیه (MVP) لزوماً به معنای تولید یک پلتفرم پیچیده یا خدمات گسترده نیست. گاهی یک کارگاه ساده، یک پرسش‌نامه، یا حتی یک گفت‌وگوی عمیق با مخاطب هدف، می‌تواند اطلاعاتی به شما بدهد که مسیرتان را روشن‌تر کند.

## چالش‌های هم‌زمانی تحصیل و کارآفرینی

اداره یک فعالیت کارآفرینانه در کنار تحصیل، چالش‌های خاص خود را دارد. از فشار زمانی و ذهنی گرفته تا ناهماهنگی‌های برنامه‌ریزی، همه چیز می‌تواند مانع پیشرفت شود. اما آنچه برای من کارساز بود، اولویت‌بندی دقیق، استفاده از ابزارهای مدیریت زمان، و پذیرش این واقعیت بود که سرعت پیشرفت در این دوران، باید با شرایط زندگی دانشجویی هماهنگ باشد. همچنین، یاد گرفتم که نباید از درخواست کمک بترسم. یکی از اشتباهات رایج من در ابتدا، تلاش برای انجام همه چیز به‌تنهایی بود. اما به‌مرور فهمیدم که مشورت‌گرفتن، نشانه ضعف نیست؛ بلکه بخشی از بلوغ حرفه‌ای است.

## ورود به زیست‌بوم نوآوری: از تجربه فردی تا تسهیلگری ساختاری

از سال ۱۴۰۱ به بعد، مسیر من وارد مرحله‌ای جدید شد. با ورود به مراکز نوآوری، خانه‌های خلاق، و همکاری با نهادهای تخصصی، توانستم تجربه زیسته‌ام را به بستری برای تسهیلگری تبدیل کنم. در این فضاها، نقش من بیشتر به سمت طراحی مسیرهای توانمندسازی، مشاوره به تیم‌های نوپا، و برگزاری رویدادهای سرمایه‌گذاری سوق پیدا کرد. تسهیلگری برای من، صرفاً انتقال دانش نبود؛ بلکه همراهی با تیم‌هایی بود که در مراحل اولیه رشد هستند و با چالش‌های واقعی مواجه‌اند. تلاش کردم فضایی فراهم کنم که در آن، کارآفرینان بتوانند با اعتماد، تجربه کنند، شکست بخورند، و دوباره بسازند.

## بازاندیشی در نقش دانشگاه‌ها: از آموزش تا سرمایه‌گذاری

باتوجه‌به تجربه‌ام، معتقدم مراکز رشد دانشگاهی باید از رویکرد صرفاً آموزشی فاصله بگیرند و به سمت طراحی ساختارهای حمایتی واقعی حرکت کنند. این ساختارها می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

برگزاری منظم رویدادهای سرمایه‌گذاری برای ارتباط مستقیم دانشجویان نوآور با سرمایه‌گذاران، منتورها، و نهادهای حمایتی، تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر دانشگاهی باهدف حمایت از ایده‌های نوآورانه، به‌ویژه در حوزه علوم‌انسانی و کارآفرینی اجتماعی، ایجاد مسیرهای تسهیلگری تخصصی برای تیم‌هایی که در مراحل اولیه هستند و نیاز به همراهی فکری، حقوقی، و اجرایی دارند، شناسایی و حمایت از نوآوری‌های دانشجویی در علوم‌انسانی حوزه‌ای که معمولاً کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد، اما ظرفیت بالایی برای خلق ارزش اجتماعی دارد.

دانشگاه، اگر بخواهد نقش فعالی در توسعه اجتماعی ایفا کند، باید از آموزش صرف عبور کند و به بستری برای تجربه، آزمون، و حمایت تبدیل شود. این تغییر رویکرد، نه‌تنها به رشد کارآفرینان نوپا کمک می‌کند، بلکه دانشگاه را به بازیگری مؤثر در زیست‌بوم نوآوری کشور تبدیل خواهد کرد.

## کارآفرینی به‌مثابه فرایند، نه نتیجه

کارآفرینی اجتماعی، بیش از آنکه یک دستاورد باشد، یک فرایند یادگیری، مواجهه، و رشد است. در این مسیر، شکست‌ها اجتناب‌ناپذیرند، اما هر شکست، فرصتی است برای بازنگری و اصلاح. دوران دانشجویی، با همه محدودیت‌هایش، زمان مناسبی برای تجربه‌کردن، یادگرفتن، و ساختن است—نه الزاماً برای رسیدن به موفقیت نهایی، بلکه برای شکل‌دادن به مسیر.



در عصر پرشتاب امروز، مفهوم نوآوری و کارآفرینی بیش از هر زمان دیگری در بطن نظام دانشگاهی و اقتصادی کشور اهمیت یافته است. دانشگاه‌ها نه‌تنها محل تحصیل، بلکه خاستگاه ایده‌هایی هستند که می‌توانند به کسب‌وکارهای آینده تبدیل شوند.

## اولین جرقهٔ کارآفرینی شما از کجا زده شد؟

من از همان دوران کارشناسی کارم را شروع کردم، ولی نه به معنای یک کارآفرین حرفه‌ای! بیشتر پروژه دانشجویی و کارهای فریلنسری انجام می‌دادم تا تجربه جمع کنم. اما اولین تلاش جدی‌ام برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار در حوزهٔ تولید ویدئو بود؛ تجربه‌ای که فقط چند ماه دوام آورد و با شکست تمام شد. بااین‌حال، همان شکست برایم آغاز مسیر یادگیری بود. فهمیدم که بدون شناخت از منابع مالی و بدون داشتن دورنمای روشن، نمی‌شود وارد کسب‌وکار شد. شکست‌ها برایم مثل کلاس درس بودند. هنوز هم به دانشجویان می‌گویم: از شکست نترسید، چون هیچ آموزشی به‌اندازهٔ تجربهٔ شکست، مؤثر نیست!

## دانشگاه در این مسیر چقدر نقش داشت؟

واقعیت این است که آن زمان، یعنی اوایل دههٔ هشتاد، مفاهیم کارآفرینی و نوآوری در کشور تازه مطرح شده بودند. هنوز خبری از مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌ها نبود. بااین‌حال، همان فضاهای کوچک دانشگاهی برای من فرصت‌هایی ساخت. از طریق پروژه‌های دانشجویی توانستم مهارت پیدا کنم و با فضای واقعی کار آشنا شوم. شاید آن زمان امکانات فیزیکی یا ساختار حمایتی وجود نداشت، ولی انگیزه و تجربه‌جویی در بین دانشجوها زیاد بود و همین روحیه کمک کرد تا از دل محدودیت‌ها، تجربه‌های ارزشمندی بیرون بیاید.

## رویدادها و کارگاه‌ها چه تأثیری روی مسیرتان گذاشتند؟

در شروع کار، بخش زیادی از فعالیتم اصلاً اقتصادی نبود. برای یادگیری به هر رویداد و کارگاهی سر می‌زدم. در همان برنامه‌ها با افراد مختلفی آشنا شدم که بعدها همکار و شریک کاری‌ام شدند. حضور در این فضاها باعث می‌شود آدم یاد بگیرد مسیر درست را پیدا کند و بداند از کجا باید شروع کند.

به نظرم، دانشجویان باید از همین فرصت‌های کم‌هزینه یا رایگان استفاده کنند. شرکت در یک رویداد استارت‌آپی گاهی می‌تواند مسیر حرفه‌ای یک نفر را تغییر دهد.

## هم‌زمان بودن تحصیل و کارآفرینی ممکن است؟

کارآفرینی کار تمام‌وقت است و تحصیل هم همین‌طور؛ بنابراین جمع‌کردن هر دو با همکار آسانی نیست. من شخصاً معتقدم کسی که می‌خواهد شرکت بزند و جدی وارد این مسیر شود، باید بداند فشار زیادی را تحمل می‌کند. تمرکز، بزرگ‌ترین چالش این دوره است.

دانشجویان باید واقع‌بین باشند؛ اگر قرار است کار کنند، باید از بخشی از وقت آزادشان بگذرند. تفریح کمتر، خواب کمتر، و مسئولیت بیشتر جزء جدایی‌ناپذیر مسیر است. اما در عوض، تجربه‌ای به دست می‌آورند که بعدها در هیچ کلاس درسی پیدا نمی‌شود.

## دانشجویان امروز چه فرصت‌هایی دارند که نسل شما نداشت؟

به نظرم نسل امروز خوش‌شانس‌تر است. الان اینترنت و فضای دیجیتال فرصت‌های بی‌نظیری برای خلاقیت فراهم کرده‌اند. تولید محتوا، آموزش آنلاین، مشاوره، طراحی، برنامه‌نویسی و حتی فروش محصولات فرهنگی، همگی می‌توانند به کسب‌وکار تبدیل شوند.

در زمان ما، چنین امکاناتی وجود نداشت. امروز اگر کسی ایده‌ای مرتبط با رشته‌اش داشته باشد، به‌راحتی می‌تواند آن را در قالب محتوا، اپلیکیشن یا سرویس آنلاین عرضه کند. فقط باید مسئله‌محور فکر کند و به نیاز واقعی مردم توجه داشته باشد.

## سرمایه اولیه را از کجا تأمین کردید؟

در ابتدای کار، پول خاصی نداشتم. تیم ما بیشتر از رفاقت و انگیزه تشکیل شده بود. اما خیلی زود فهمیدم اگر قرار است کاری شکل بگیرد، باید همه چیز روشن باشد. سرمایه‌گذاری با حمایت مالی فرق دارد؛ وقتی پای پول وسط می‌آید، شفافیت حیاتی است.

هر کس باید بداند چه آورده‌ای دارد، سهمش چقدر است، و چه مسئولیتی بر عهده‌اش دارد. ما از همان ابتدا تمام توافق‌ها را مکتوب کردیم. همین شفافیت باعث شد کارمان دوام پیدا کند.

حتی اگر سرمایه مالی ندارید، مهارت و وقتتان خودش نوعی سرمایه است. خیلی از استارتاپ‌های بزرگ دنیا با همین آورده‌های غیرمالی شکل گرفته‌اند.

## چطور تیم‌سازی موفقی انجام دادید؟

تجربه به من یاد داد که تیم خوب فقط از افراد باهوش تشکیل نمی‌شود، بلکه از آدم‌های صادق و مسئولیت‌پذیر ساخته می‌شود. در هر تیمی اختلاف پیش می‌آید، اما اگر پایهٔ رابطه شفاف و محترمانه باشد، تیم دوام می‌آورد.

من همیشه توصیه می‌کنم تیم‌ها قبل از شروع کار، دربارهٔ روزهای سخت هم صحبت کنند؛ دربارهٔ شکست، ضرر و حتی احتمال انحلال. وقتی همه چیز روشن باشد، اعتماد شکل می‌گیرد و کار جلو می‌رود.

## اگر به دوران دانشجویی برگردید، چه تغییری در مسیرتان می‌دهید؟

شاید همان مسیر را دوباره انتخاب کنم، اما با تجربهٔ بیشتر. احتمالاً زودتر وارد شرکت‌های بزرگ‌تر می‌شدم تا از آدم‌های حرفه‌ای یاد بگیرم. ما گاهی وقت زیادی را صرف آزمون‌وخطا می‌کنیم، درحالی‌که می‌توانیم با یادگیری از دیگران بخشی از مسیر را کوتاه‌تر کنیم.

به دانشجویان توصیه می‌کنم عجله نکنند. تا می‌توانند تجربه و مهارت بیاموزند. **کارآفرینی، دویدن نیست؛ ماراتن است!** کسی موفق می‌شود که صبر و ثبات قدم داشته باشد.

تجربهٔ دکتر صابر خسروی نشان می‌دهد کارآفرینی در ذات خود سفری از شناخت تا بلوغ است؛ سفری که از دل شکست‌ها عبور می‌کند و به تجربه می‌رسد. او معتقد است کارآفرینی بیش از هر چیز به فهم درست از خود، تمرکز، و شفافیت نیاز دارد.

در زمانی که بسیاری از دانشجویان از شروع می‌ترسند، روایت او یادآور این حقیقت است که بزرگ‌ترین گام، همان «شروع‌کردن» است؛ حتی اگر با شکست همراه باشد.

# گزیده‌ای از تاثیرگذارترین کتاب‌ها و فیلم‌ها برای روشن کردن مسیر نوآوری

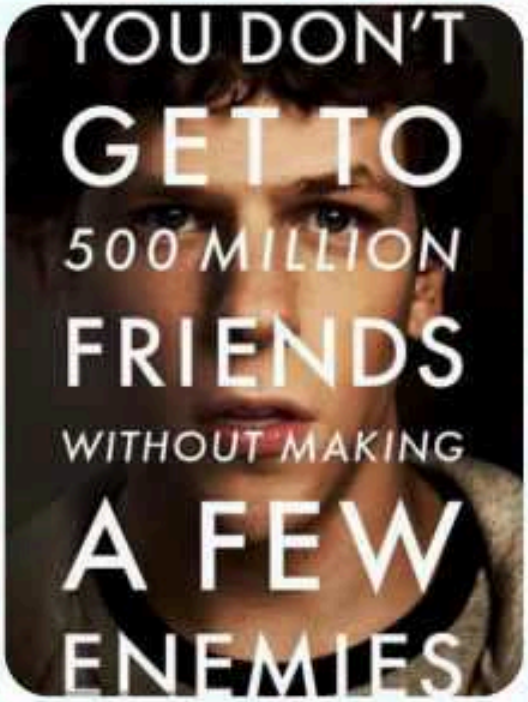


ریحانه جنتی
دانشجو کارشناسی رشته تاریخ اسلام دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی

باتوجه‌به فرایند محتوایی نشریه، در نظر داریم در هر شماره از این فصلنامه یک کتاب و یک فیلم حوزه نوآوری و کارآفرینی را باتوجه‌به محتوای سیاست‌گذاری نشریه تقدیم شما بکنیم.

## گزیده‌ای از تأثیرگذارترین کتاب‌ها و فیلم‌ها برای روشن‌کردن مسیر نوآوری

### فیلم




فیلم سینمایی «شبکه اجتماعی» به کارگردانی دیوید فیچر، روایتگر داستان تولد فیس‌بوک، یکی از انقلابی‌ترین استارتاپ‌های قرن بیست ویکم، از دل خوابگاه‌های دانشگاه هاروارد است. داستانی که در ظاهر دربارهٔ موفقیت یک کسب‌وکار است، اما در بطن خود، تلاقی پیچیده‌ای از هوش، بلندپروازی، خیانت، تنهایی و اخلاق حرفه‌ای را به نمایش می‌گذارد. این فیلم نه فقط داستان خلق یک شبکه اجتماعی بلکه روایت دردناک و دقیق کارآفرینی در دوران دانشجویی و یکی از تعامل برانگیزترین درام‌های اخلاقی قرن بیست ویکم درباره کارآفرینی، جاه‌طلبی و تنهایی است. در ابتدای فیلم، مارک زاکربرگ (با بازی خیره‌کنندهٔ جسی آیزنبرگ) دانشجویی منزوی، اما نابغه در حوزهٔ برنامه‌نویسی است که از دل یک تجربهٔ عاطفی تلخ، پروژه‌ای را به راه می‌اندازد که خیلی زود توجه محافل دانشگاهی را جلب می‌کند. راه‌اندازی فیس‌بوک در فضای دانشگاهی هاروارد، نشان‌دهندهٔ ظرفیت بالای محیط‌های دانشگاهی برای خلق ایده‌های نوآورانه است. خوابگاه به دفتر کار تبدیل می‌شود، و لپ‌تاپ جای میز کنفرانس را می‌گیرد. فیلم نشان می‌دهد که چگونه دانشجویان با منابع محدود، اما ذهنی خلاق می‌توانند آغاز کنند که در سطح جهانی اثرگذار شود. اما در همین بستر، نبود تجربه، شبکهٔ حرفه‌ای و مهارت‌های ارتباطی بالغ، در کنار فشارهای درسی و فردی، چالش‌هایی جدی به وجود می‌آورد.

شبکه اجتماعی تصویری واقع‌گرایانه از چالش‌های درونی و بیرونی کارآفرینی دانشجویی ارائه می‌دهد. مهم‌ترین موانع مطرح‌شده در فیلم عبارت‌اند از: تضاد میان ایده و اجرا؛ شخصیت‌های دوقلوی وینکلواس که در ابتدای فیلم ایده خام خودشان را دررابطه‌با راه‌اندازی شبکه اجتماعی با مارک در میان گذاشتند، مدعی‌اند که ایدهٔ اولیهٔ یک شبکهٔ اجتماعی دانشگاهی از آنِ آن‌ها بوده است. فیلم با زیرکی مخاطب را به داوری و قضاوت واداشته و این سؤال را پیش می‌کشد

که ایده مهم‌تر است یا اجرا؟ و آیا بهره‌برداری از یک ایدهٔ خام بدون اجازه، دزدی محسوب می‌شود؟ یا عدم شفافیت در روابط کاری؛ مارک و شریک اولیه‌اش ادواردو، در ابتدا دوستان صمیمی هستند. اما فقدان قراردادهای شفاف، نابرابری در تصمیم‌گیری و دخالت سرمایه‌گذاران خارجی، منجر به شکاف عاطفی و حقوقی بین آن‌ها می‌شود. خیانت مارک به ادواردو در فیلم، یکی از نقاط اوج تراژدی اخلاقی است و این بحث را به میان می‌آورد که ارزش‌های اخلاقی برای یک کارآفرین تا چه اندازه می‌تواند به آرامش و امنیت فضای روانی و کاری شخص اعتبار ببخشد. مقاومت ساختار دانشگاهی؛ دانشگاه هاروارد در فیلم، نه‌تنها بستری برای شکوفایی ایده‌هاست، بلکه در جاهایی نیز ساختاری محافظه‌کارانه دارد که نمی‌تواند با سرعت رشد نوآوری همگام شود. مارک گاه مجبور است برخلاف هنجارها و مقررات دانشگاه حرکت کند. همچنین فقدان یک پشتیبان و راهنمای متخصص به همراه مارک، عمیقاً در روند داستان احساس می‌شود؛ چه‌بسا که اگر چنین شخصی در داستان حضور داشت، مارک تا این اندازه درگیر مسائل پیچیدهٔ حقوقی و قضایی نمی‌شد.

در تکاپوی ادواردو برای یافتن سرمایه‌گذار، شان پارکر، بنیان‌گذار سابق نپستر، با مارک و ادواردو ملاقات می‌کند. او با چرب‌زبانی و تجربیاتش از رشد سریع شرکت‌ها، مارک را متقاعد می‌کند که مسیر بزرگ‌تری در پیش است. او جمله‌ای معروف می‌گوید: «تو می‌دونی چه چیزی باحال نیست؟ یک میلیون دلار. اما می‌دونی چی باحاله؟ یک میلیارد دلار!» او اصرار دارد که ادواردو مانع رشد پروژه است و مارک باید با سرمایه‌گذاران بزرگ‌تر کار کند. این سکانس نقطهٔ آغاز دوراهی اخلاقی مارک است. شان پارکر نماد دنیای سرمایه‌داری مدرن، جسور و بی‌قانون است. او مارک را به سمتی می‌کشاند که تصمیمات تجاری را بر روابط انسانی ترجیح بدهد. تضاد میان ادواردوی محافظه‌کار و پارکرِ ماجراجو، به جدایی تدریجی بین مارک و شریکش می‌انجامد. همچنین کارگردان از قهرمان‌سازی پرهیز می‌کند و اجازه می‌دهد مخاطب خودش قضاوت کند. انگیزهٔ مارک از تأسیس فیس‌بوک نه منفعت اقتصادی، بلکه انزجار، احساس تحقیر و نیاز به دیده‌شدن بود. در بسیاری از کارآفرینی‌های نوپا، انگیزه‌های شخصی مانند کسب درآمد بالا، نیاز به اثبات خود یا رقابت‌جویی، موتور اولیهٔ حرکت است. هدف و نیت اولیه یکی از مهم‌ترین رکن انجام هر عملی است که مسیر را تا انتها برای انسان ترسیم می‌کند. شخصیت مارک زاکربرگ در فیلم شخصیتی چندلایه است: نابغه‌ای تنها، با ذهنی سریع اما احساسی ناقص که در مسیر رشد فیس‌بوک، کسانی را از دست می‌دهد که زمانی نزدیک‌ترین افراد زندگی‌اش بودند. با این‌که او به موفقیت مالی عظیمی می‌رسد، اما در صحنهٔ پایانی فیلم، تنها و دل‌شکسته روبه‌روی لپ‌تاپ نشسته و در سکوت صفحهٔ فیس‌بوکِ نامزد سابقش را رفرش می‌کند که نشانه‌ای ظریف از قیمت انسانی بلندپروازی‌های او.

در جلسات دادگاه، نکته‌ای مهم فاش می‌شود: مارک میلیاردر شد، اما تنها ماند. وکیل‌مدافع به او می‌گوید: تو نه به‌خاطر این‌که اشتباه کردی، بلکه به‌خاطر این‌که تلاش نکردی درست رفتار کنی، در دادگاه نشسته‌ای.

این جمله، ستون فقرات اخلاقی فیلم است؛ در مسیر موفقیت، تنها نتیجه مهم نیست؛ شیوهٔ رسیدن، منش انسانی و وفاداری هم اهمیت دارد. در این فیلم، موفقیت نه با جشن، بلکه با سکوت، دادگاه، تنهایی و حسرت روایت می‌شود. برای دانشجویانی که رؤیای استارتاپ دارند، این اثر نه فقط الهام‌بخش، بلکه هشداری جدی در باب مرزهای اخلاق،

مسئولیت، شفافیت و دوستی است. درواقع دعوتی است به تأمل دربارهٔ اخلاق در دنیای کسب‌وکارهای نوپا. دانشجویان علاقه‌مند به ورود به دنیای استارتاپ‌ها، با دیدن این فیلم می‌توانند نگاهی نقادانه به مسیر پیشروی خود بیندازند؛ نگاهی که صرفاً بر اساس موفقیت مالی و رشد سریع شکل نگرفته، بلکه در ترازوی اخلاق، انسانیت و مسئولیت‌پذیری هم سنجیده شده باشد. این‌که کارآفرینی بدون اخلاق، ممکن است به موفقیت بیرونی بینجامد، اما در درون، حفره‌هایی از اندوه، تنهایی و گناه را بر جای می‌گذارد.

## کتاب




کتاب نوپای ناب (The Lean Startup) نوشته اریک ریز (Eric Ries)را به شما پیشنهاد می‌کنیم. این کتاب یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های دو دهه اخیر در دنیای کارآفرینی است و برای دانشجویان به‌ویژه در مراحل اولیه راه‌اندازی استارتاپ فوق‌العاده کاربردی و الهام‌بخش است.

این کتاب یک راهنمای عملی و انقلابی برای هر دانشجویی است که رؤیای راه‌اندازی یک کسب‌وکار را در سر می‌پروراند. هسته اصلی این کتاب بر این اصل استوار است که به‌جای طی‌کردن ماه‌ها زمان برای نوشتن یک طرح کسب‌وکار مفصل و بدون آزمون، باید بلافاصله یک حداقل محصول قابل‌قبول یا MVP ساده از ایده خود ساخت و آن را به‌سرعت در معرض بازخورد واقعی مشتریان قرارداد. سپس بر اساس داده‌های عینی و ارزیابی محصول و بازار، باید مسیر را اصلاح کرد یا در صورت لزوم، یک تغییر جهت استراتژیک هوشمندانه انجام داد. این فرایند پیوسته **ساخت، سنجش، آموختن** به شما می‌آموزد که چگونه در شرایط پر از عدم قطعیت، مانند یک فرد خردمند عمل کنید و با کمترین منابع، بیشترین یادگیری را تجربه نمایید. این ذهنیت، ترس از شکست را از بین می‌برد، زیرا هر آزمایش ناکام را نه یک شکست، بلکه یک درس ارزشمند قلمداد می‌کند. **برای دانشجویان، این کتاب یک نقشه راه عملی است** که نشان می‌دهد چگونه می‌توان بدون سرمایه کلان، ایده‌ها را در دنیای واقعی آزمود و از چرخه بی‌پایان تئوری‌پردازی خارج شد. در نهایت، «نوپای ناب» یک ذهنیت است که کارآفرینی را به یک علم قابل‌یادگیری تبدیل می‌کند و به شما می‌گوید که موفقیت، حاصل اجرای سریع، یادگیری مستمر و تطبیق هوشمندانه با واقعیت‌های بازار است.

از ایده تا میدان:

# روایت زنده اقدامات دفتر رشد و نوآوری دانشگاه



آیین افتتاح دفتر رشد، نوآوری و کارآفرینی دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی

**با حضور دکتر سیدعباس صالحی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی**



فراخوان جذب ایده‌های نوآورانه



لیگ بازی معمایی-حقوقی




فراخوان برای جذب ایده‌های نوآورانه کسب‌وکاری





اولین نشستش گپ‌گاه: درآمدزایی و
مدیریت هزینه‌ها در دوران دانشجویی





دومین نشستش گپ‌گاه: چالش‌های ازدواج
دانشجویی و قصه‌های رشد ارتباطات اجتماعی





سومین نشستش گپ‌گاه:
بررسی آینده شغلی رشته‌های الهیات

## مسابقه کتابخوانی معمای شکوفایی



## تور نوآوری شریف





## دومین رویداد کیش و مات



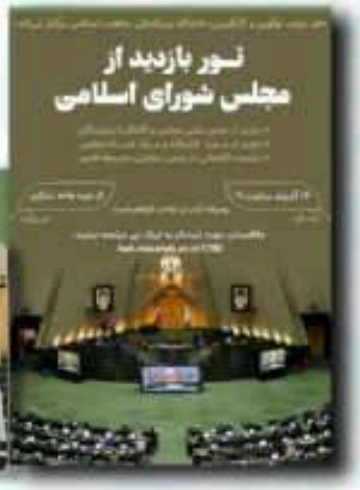


## آشنایی با اکوسیستم استارتاپی



## تور بازدید از مجلس شورای اسلامی






## دوره مقدماتی فن بیان، سخنوری، اجرای صحنه و مهارت های ارتباطی




## وبینار کارآفرینی دانشجویی




## وبینار کسب درآمد از نویسندگی



## نخستین کمیته پذیرش طرح های نوآورانه





## سلسله گفت‌وگوهای آینده نگری گپ گاه






## آشنایی با فرصت‌های کارآفرینی و کسب‌وکار در دوران دانشجویی




## رویداد رقابتی اتاق فرار






# فصلنامه کارنو

نشریه تخصصی نوآوری، فناوریو کارآفرینی

با تشکر از همراهی و حمایت های معاونت پژوهش و فناوری

دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی